

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۴

وصول مقاله : ۱۳۹۲/۱۱/۹

تأیید نهایی : ۱۳۹۳/۸/۵

صفحات : ۱۳۶ - ۱۱۷

بررسی کمی نقش برنامه‌ریزی مشارکتی در کاهش فقر روستایی مورد شناسی: شهرستان فیروزکوه، روستای لزور

دکتر بهروز قرنی آرانی^۱

چکیده

با وجود تمرکزگرایی غالب طرح‌های توسعه روستایی ایران، پروژه‌هایی وجود دارند که کارشناسان سعی کردند بخشی یا تمام آن را با مداخله همه یا اکثر ذینفعان آن پروژه به انجام برسانند، از جمله آن‌ها، پروژه ملی حبله‌رود است. این پروژه با هدف مشارکت محلی، درصدد بوده است میزان مداخلات جوامع محلی را در طراحی و اجرای پروژه‌های حفظ منابع طبیعی به حداکثر برساند. پروژه مذکور با اهداف اصلی و عمده حفظ منابع طبیعی از طریق کاهش فقر روستایی و کاهش اثرهای تخریبی اقتصاد ناپایدار ناحیه بر آن منابع، پروژه مناسبی برای این تحقیق به نظر می‌رسد. چرا که تلاش شد در روستاهای پایلوت، نهادهای غیردولتی و محلی شکل بگیرد تا روستاییان بر طراحی و اجرای پروژه‌ها، نظارت و مدیریت داشته باشند و از طرف دیگر با سپری شدن زمان کافی از تأثیر پروژه‌ها و نهادهای مشارکت، تأثیر مشارکت روستایی بر شاخص‌های فقر قابل سنجش شده است. از این رو از مجموع روستاهای پایلوت زیر پروژه آبخیزداری این پروژه، روستای لزور در شهرستان فیروزکوه به عنوان تنها نمونه موفق (به اذعان کارشناسان) انتخاب شد. نتایج نشان می‌دهد که پروژه‌های کاهش فقر روستایی باید در کنار رویکردهای پولی به رویکردهای غیر پولی توجه نشان دهند. نباید تمام نواحی کشور را یکسان فرض بگیرند و باید غیر متمرکز و راهبردی و در تمام سطوح با رویکرد مشارکتی با دخالت مستقیم اجتماع محلی باشند. برای کاهش نگرانی مالی، بر اساس تجربه‌های جهانی و مطالعه موردی، می‌توان با توجه به اولویت‌های محلی، برنامه‌ها را به ابعاد خاص یا نواحی ویژه محدود کرد. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد مشارکت روستایی می‌تواند جنبه‌های مادی و معنوی فقر را هدف قرار دهد و به کاهش آن کمک نماید.

کلید واژگان: کاهش مشارکتی فقر روستایی، شاخص بهزیستی انسان، لزور.

مقدمه

فقر می‌تواند گسترده، چندبعدی، تا حدی ذهنی متغیر در طول زمان شامل قابلیت‌ها و نیز رفاه و بسته به هنجارها، مقایسه‌ها و توقعات تا اندازه‌ای نسبی به نظر آید. فقر ابعاد فیزیکی و روانی دارد. قسمت اعظم فقرای جهان (۷۵٪) در روستاها سکونت دارند (IFAD, 2001, 69-15). اما فقر روستایی چیست و چرا آن را در مطالعه از فقر شهری جدا می‌کنند؟ باید گفت که شرایطی بر روستا حاکم است که در آن، نگاه را به فقر و محرومیت متفاوت می‌سازد از جمله: ابتدایی، ناکافی و نامناسب بودن زیرساخت‌ها؛ ضعف ارتباط و نبود تشکل‌های مؤثر برای مشارکت یا انتقال درخواست‌های روستاییان؛ فرصت‌های شغلی کمتر در روستا؛ دورافتادگی و عدم دسترسی به امکانات زندگی؛ درآمدهای زیستی ناشی از تولید کشاورزی و تحت تأثیر عوامل طبیعی؛ پایین بودن سطح سواد (گالبرایت، ۱۳۶۶، ۵۳-۶۲). از این رو کاهش فقر را به طور عمده می‌توان از روستا آغاز کرد.

با نگاهی به تلاش‌های گذشته و بررسی الگوهای حاکم برای مقابله با فقر روستایی درمی‌یابیم که این تلاش‌ها بیشتر شامل مداخلات از خارج بوده است و کمتر به فقرای روستایی به عنوان تصمیم‌گیر یا عاملانی با انگیزه و توانا برای بهبود اوضاع خود نگریسته می‌شد. تا کنون در اغلب کشورهای در حال توسعه، برنامه‌های غیر مشارکتی و از بالا به پایین و برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی از اعتبار برنامه‌ریزی ناحیه‌ای در این قبیل کشورها کاسته است که حاصل آن در حاشیه قرار گرفتن روستاییان خصوصاً فقرا از سهم‌شدن در منافع توسعه بوده است. به نظر می‌رسد برنامه‌های استبدادی دولت با نام مشارکتی و برنامه‌ریزی تسهیلات (برنامه مشارکتی «ما» برای «آن‌ها») هیچ کدام در چارچوب‌های واقعی برنامه‌های مشارکتی کاهش فقر روستایی نگنجد، بلکه شاید تنها مشارکت

«ما» در برنامه «آن‌ها» مفهوم واقعی کلمه را بیان کند. تجربیات جهانی نشان می‌دهد هر جا فقرا به عنوان عامل، نه موضوع، در فرایند توسعه شرکت می‌کنند امکان ایجاد رشد، توسعه انسانی و برابری وجود دارد (رضوی و همکاران، ۱۳۸۲، ۲۵ و چمبرز، ۱۳۷۸، ۱۱۹ - ۱۳۸). اما با وجود موانعی از جمله کمبود منابع دانش و اطلاعات (بی‌سوادی، کم‌سوادی، یا کمبود و نقص در آموزش و اطلاع‌رسانی به دلایلی از جمله فقر انسانی و درآمدی) چگونه این امر امکان‌پذیر است؟ حرکت از وضع ناخشنود کنونی به سمت مطلوب و آرمان‌هایشان به چه چیزهایی نیازمند است؟

«ما» می‌دانیم که «آن‌ها» به مشکلات خود به خوبی آشنا هستند و حتی در بسیاری از موارد به آن «خو» گرفته‌اند و به گفته لوئیس^۱ (۱۹۶۸)، فرهنگ فقر، شیوه زندگی خاصی برایشان به وجود آورده است (رضوی و همکاران، ۱۳۸۲، ۲۴ و رضوی، ۱۳۷۷، ۱۱ - ۱۵). بنابراین به نظر می‌رسد اگر شرایط تسهیل‌کننده و تسریع‌کننده‌ای در جهت رفع موانع بالا باشد و کمک‌های مالی در اختیارشان قرار گیرد و حمایت به همراه مشارکت باشد، وضع موجود بهبود پیدا کند. اما شرایط تسهیل‌کننده چیست؟

در رویکردهایی که راهبردهای مشارکتی را توصیه می‌کنند مردم هم وسیله توسعه هستند و هم هدف آن (رضوانی، ۱۳۸۳، ۱۰۸). در سال‌های اخیر مباحث توسعه بیشتر متوجه مسائل تساوی و برابری در توزیع فواید توسعه بوده‌اند. در واقع تأکید شده است که باید در طراحی و ارزیابی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های توسعه روستایی مشارکت نمایند و ساختار و شکل تجارب و تعامل بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی باید به گونه‌ای باشد که اجرای راهبردهای توسعه روستایی را تسهیل کند. مشارکت فعال روستاییان از طریق اجتماعات محلی به دست می‌آید که هدف اولیه آن‌ها

منابع، پروژه مناسبی برای این تحقیق به نظر می‌رسد. از آن جا که پروژه‌های مشارکتی تنها در سطح خرد و در جوامع کوچک محلی قابلیت اجرا دارند، روستاهای نمونه در نظر گرفته شدند و سعی شد در این روستاها، نهادهای غیر دولتی و محلی شکل بگیرند تا روستاییان بر طراحی و اجرای پروژه‌ها، نظارت و مدیریت داشته باشند. در این تحقیق از مجموع روستاهای پایلوت زیرپروژه آبخیزداری پروژه ملی حبله‌رود، روستای لزور در شهرستان فیروزکوه به عنوان «نمونه موفق» انتخاب شد.

پیشینه تحقیق

هر چند فقر با ابعاد پیچیده خود در تاریخ بشر قدمت زیادی دارد، اما مطالعات و بررسی‌هایی که جغرافیدانان و محققان سایر علوم برای کاهش آن به عمل آورده‌اند، قدمت چندانی ندارد. از اواخر دهه ۱۹۶۰، مفهوم عدالت اجتماعی به ادبیات جغرافیایی وارد می‌شود. نظام ارزشی، تفکرات جغرافیایی را به مسیر توجه به مسائل فراموش شده‌ای از جمله رفاه اجتماعی، نابرابری‌های شدید و فقر کشاند. از سال ۱۹۸۰ این جریان یکی از تعهدات جغرافیای پست مدرنیستی^۱ شناخته و جغرافیا با تأکید بر عدالت اجتماعی متحول می‌شود. جغرافیدانان رادیکال^۲ در زمینه نابرابری‌های ناحیه‌ای، رفاه اجتماعی، الگوهای فقر و نقش گروه‌های فشار فعال بوده‌اند (جدول ۱).

پیگیری و تحقق اهداف اقتصادی یا اجتماعی باشد. در این تحقیق در نظر است نقش مشارکت روستاییان در کاهش فقر روستایی موشکافی شود: این مسأله موافقان و مخالفانی دارد و پاسخ مستقیمی برای آن وجود ندارد. مخالفان معتقدند که برای مشارکت هزینه و وقت زیادی صرف می‌شود، در مورد فقر امری نامربوط و تجملی است، نیروی بی‌ثبات‌کننده اجتماعی - سیاسی است، ایدئولوژیک است نه واقعی، و شأنه مسئولان را از زیر بار مسئولیت خالی می‌کند. موافقان معتقدند که از طریق مشارکت استفاده بهتری از هزینه‌های بیرونی می‌توان داشت، اثربخشی بیشتر، ایجاد توانایی‌های محلی، افزایش سطح پوشش طرح‌ها، شناسایی بهتر و بیشتر گروه‌های هدف و رغبت بیشتر آن‌ها به حفظ شتاب فعالیت‌ها و فراهم‌ساختن فرصت برای زنان از دیگر مزایایی است که موافقان برمی‌شمارند (کلیتون و همکاران، ۱۳۸۳، ۱۱-۱۴). از این رو ضروری است بررسی شود که چرا طرح‌های کاهش فقر به شیوه‌ای پایین به بالا یا ترکیبی باید اجرا شوند و در این دو حالت چه تفاوتی هست که طرحی با هدف کاهش فقر با جذب بیشترین مشارکت روستاییان اجرا شود یا اصلاً مداخله‌ای نداشته باشند و بالاخره این که کدام شیوه بهتر می‌تواند به هدف خود دست یابد؟ با وجود تمرکزگرایی غالب طرح‌های توسعه روستایی در ایران (مؤسسه توسعه روستایی ایران، ۳-۱۳۸۲، ۳۷)، پروژه‌هایی وجود دارند که کارشناسان سعی کردند بخشی یا تمام آن را با مداخله همه یا اکثر ذینفعان آن پروژه به انجام برسانند، از جمله آن‌ها پروژه ملی حبله‌رود است. این پروژه با هدف مشارکت محلی درصدد بوده است میزان مداخلات جوامع محلی را در طراحی و اجرای پروژه‌های حفظ منابع طبیعی به حداکثر برساند. پروژه مذکور با اهداف اصلی و عمده حفظ منابع طبیعی از طریق کاهش فقر روستایی و کاهش اثرهای تخریبی اقتصاد ناپایدار ناحیه بر آن

جدول ۱: دیدگاه جغرافیدانان پیشرو در مفاهیم کاهش فقر از طریق نهادینه‌سازی مشارکت

نام	دیدگاه
کروپوتکین ^۱ و رکل ^۲	بر عدالت اجتماعی از طریق مالکیت عمومی ابزار تولید و «معاون و همیاری» تاکید داشتند
هاروی ^۳	به کارگیری مفهوم عدالت اجتماعی در تحلیل‌های جغرافیایی، انقلاب در تفکرات جغرافیایی و به مفهوم کمک به توزیع درآمد، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی است
اسمیت ^۴	«دموکراسی» واقعی در تحقق عدالت اجتماعی و پیوند آن در نظریه و عمل در علم جغرافیا است تا از این طریق جغرافیا بتواند در مطلوبیت‌بخشی به زندگی انسانی توفیق یابد
جانستون ^۵	هدف جغرافیدانان مطالعه کیفیت زندگی انسان‌ها، بلکه کشف و حذف نابرابری‌های شدید اجتماعی و اقتصادی از طریق «یجاد سازمان جدید و عادلانه» در تولید، توزیع و مبادله، یک نوع رسالت برای آنان محسوب می‌شود
مک‌داول ^۶	بی‌عدالتی ناشی از حاشیه‌ای شدن و طرد گروه معین از شرکت مؤثر و مفید در جامعه و به طور کلی «نبود قدرت در گروهی از مردم» و سلطه فرهنگی گروهی بر گروه دیگر است

منبع: نگارنده با توجه به شکویی، ۱۳۸۲، ۱۴۵-۱۳۴ و ۹۰-۸۵

رشته علمی شان تقریباً محو می‌شود (اوپن و دیگران، ۱۳۸۱، ۱۲-۱۳). بدین سبب همان گونه که در جدول (۲) می‌توان دید جغرافیدانان با سایر پژوهشگران علوم انسانی در توجه به بازتوزیع تولید و قدرت و اجرای عدالت اجتماعی و اقتصادی از طریق سازمان‌های جدید و مشارکت مفید مردم، دیدگاه مشترکی دارند.

جغرافیا از بعد فضایی به فقر می‌نگرد و نقشه پراکنش فقر را ترسیم می‌نماید. همچنین پژوهش و اجرای طرح‌های کاهش فقر یک تخصص میان رشته‌ای را می‌طلبد که جغرافیا در کانون آن قرار دارد (شکویی، ۱۳۷۸، ۲۴۵-۲۵۷). هر چند محققان رشته‌های مختلف که برای مدتی در کار پژوهش‌های فقر وارد می‌شوند و از مفاهیم و روش‌های دیگر رشته‌ها بهره می‌برند، زمینه خاص

جدول ۲: دیدگاه برخی پژوهشگران علوم انسانی در مفاهیم کاهش فقر از طریق نهادینه‌سازی مشارکت

نام	دیدگاه
لوئیس	فقر روش کامل زندگی در جوامعی است که یکی از ویژگی‌های آن نبود سازمان‌های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی مورد نیاز برای انجام امور و حل مشکلات مردم کم‌درآمد است
راسی و بلوم ^۷	سامان‌نیافتگی انجمن‌های داوطلبانه و سطح پایین مشارکت از ویژگی‌های اجتماعات فقیر است
لیلی ^۸	ماهیت مشکل فقرا و عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی فقرا در تشکیل و گسترش تعاونی‌های روستایی دو طرفه هستند و از تمرکزگرایی دولت گرفته تا فرهنگ فقر روستاییان ادامه پیدا می‌کند
الغنمی ^۹	کاهش فقر روستایی مشروط بر این است که به تهیدستان فرصت‌های فزاینده‌ای برای قدرت اقتصادی و سیاسی داده شود تا مشارکت مؤثری داشته باشند

منبع: نگارنده با توجه به شکویی، ۱۳۸۲، ۲۰۷؛ اتحادیه بین‌المللی تعاون، ۱۳۷۷، ۳۹-۷۴؛ الغنمی، ۱۳۷۲، ۵۷-۸۲

1. Peter Kropotkin
2. Elisee Reclus
3. Harvey
4. Smith
5. Johnston
6. McDowell
7. Rossi and Blum
8. Lele
9. El-Ghonemy

می‌شود. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴).

تجارب داخلی ایران از جمله «پروژه ترسیب کربن دشت حسین‌آباد بیرجند (۲۷ روستا)» با سرمایه‌گذاری تسهیلات جهانی محیط زیست و همکاری سازمان جنگل‌ها (دفتر پروژه ترسیب کربن)، و طرح‌های فقرزدایی مؤسسه همیاران (مؤسسه همیاران غذا) نشان می‌دهد که اهمیت این رویکرد بیش از پیش احساس می‌شود و به ویژه NGOها تلاش کرده‌اند به روند مداخله روستاییان در کاهش فقر یاری برسانند. نگاه برنامه‌های پنج‌ساله توسعه از جمله دو برنامه سوم و به ویژه برنامه چهارم می‌تواند این روند را تقویت نماید تا رویکردهای توانمندسازی و مشارکتی نسبت به گذشته نقش پررنگ‌تری بیابند.

نتایج پژوهش‌های داخلی از جمله دادورخانی و همکاران (۱۳۹۰) نشان می‌دهد حکمروایی خوب با دارابودن شاخص‌هایی نظیر مشارکت و از طریق راهکارهای افزایش مشارکت فقرا و دخالت آن‌ها در تعیین سرنوشت خود، ضمن تغییر شیوه‌های تأمین معاش، فقر را می‌تواند کاهش دهد. همچنین نتایج بررسی صابری‌فر و قیصاری (۱۳۸۸) نشان‌دهنده کاهش چشمگیر میزان فقر در پی اجرای برنامه‌های مدیریت اجتماعی است که پس از تهیه و تدوین با روش‌های اصولی و بر پایه دیدگاه‌های روستاییان دشت حسین‌آباد بیرجند (تحت عنوان پروژه بین‌المللی ترسیب کربن) مدیریت و اجرا شده‌اند، کاهشی که تحقق آن بیشتر مرهون تنوع‌بخشی به شیوه‌های تأمین معاش بوده است. اسمعیل‌پور و همکاران (۱۳۹۱) در جست‌وجوی راه‌های ارتقای شاخص‌های کیفیت سکونت و رفع انواع فقر و محرومیت و اختلاف سطح زندگی محله کشتارگاه یزد با سایر محلات، به دنبال اثبات نقش مردم و سازمان‌های محلی در شناسایی مشکلات و ریشه‌یابی آن‌ها هستند. پژوهشگرانی

با وجود تأکیدها و تجارب جهانی، در برنامه‌هایی که تا کنون در ایران تحت عناوینی از جمله فقرزدایی و محرومیت‌زدایی به اجرا درآمده‌اند، به نظر می‌رسد به جز برخی موارد، اغلب رویکردی متمرکز داشته‌اند. تجربه ایران نشان می‌دهد در راهبرد مدیریت دولتی روستایی، مشارکت مردم و تشکل‌های مردمی ابزار مفیدی برای ثبات ملی قلمداد نمی‌شود و از اعمال قدرت، بخشی‌نگری و تعصب سازمانی دولت به‌عنوان تنها عناصر کلیدی در ثبات و توسعه یاد می‌شود. چنین نگاهی، حذف مشارکت مردم، نهادهای محلی و NGOها را از جریان توسعه موجب شده است. سرانجام، ناهماهنگی در فرایند برنامه‌ریزی، خدمات‌رسانی و افزایش هزینه‌ها، هدررفتن سرمایه‌های انسانی، مالی و اجتماعی و در نهایت شکاف و نارضایتی را میان مردم روستا دامن زده است. به عبارتی، رویکرد حداکثر دخالت دولت به همراه نگرش بخشی و سازمانی و نبود دیدگاه یکپارچه به روستا، به جای رقابت سالم و مشارکت همه جانبه و گسترش فرهنگ جامعه مدنی موجب چندگانگی و سردرگمی حتی در ارائه خدمات‌رسانی به روستاها شده و تشدید روند تضعیف یکپارچگی ملی را فراهم کرده است (مؤسسه توسعه روستایی ایران، ۳-۱۳۸۲، ۳۷).

در گزارش «طرح فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران»، از جنبه توجه به ایجاد اشتغال و تجهیز منابع از طریق احیای احکام اسلامی از جمله زکات و قرض‌الحسنه (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵) تلاش شد به رویکرد مشارکتی توجه شود. پس از چند بار بازنویسی طرح نهایتاً با رویکرد پولی و غیر پولی در «سند کاهش فقر و هدفمندکردن یارانه‌ها» مشارکت افراد آسیب‌پذیر، توانمندسازی فقرا و ایجاد اشتغال توسعه‌ای سه رکن اساسی هستند و با نگاه «بسته‌ای»، به فقر دید بخشی ندارد و به هر عامل اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی توجه می‌نماید که فقر را موجب

مشخص باید برای یک اجتماع، توسعه و شکوفایی را به ارمغان آورد. نیازهای اساسی انسان به سه دسته نیازهای جسمی و روحی فرد، نیازهای خانوادگی و نیازهای اجتماع قابل توصیف هستند. تعریف این نیازها به دانش جمعیت‌شناسی محلی، کارایی مداخلات پیشنهادی و خواسته‌های مردم محلی وابسته است. رویکردی جامع، دیدگاه‌ها و برداشت‌های فردی را از نیاز با یکدیگر ممزوج می‌نماید (Asadi-Lari et al., 2005, 474-482). همچنین عظیمی معتقد است که فقر در مفهوم فلسفی و عمیق خود به دو موضوع احساس نیاز و ارضای آن بازمی‌گردد. به این ترتیب که فقر، فاصله زمانی بین احساس نیاز و ارضای آن در انسان نیازمند است. با این مفهوم ذهنی، فقر همیشه در جامعه بشری وجود خواهد داشت و قابلیت اندازه‌گیری علمی ندارد. با این حال می‌توان سطوحی از فقر معیشتی را بر اساس نیازهای اولیه برای حفظ حیات و تداوم آن در نظر گرفت (عظیمی، ۱۳۶۹، ۷۰ - ۸۹). فقر از نظر کیفیت به دو دسته تقسیم‌بندی می‌شود: فقر مادی و فقر معنوی. فقر مادی ناتوانی در به دست آوردن روزی برای گذراندن زندگی روزمره است. فقر معنوی که مهم‌تر و اساسی‌تر از فقر مادی است، می‌تواند نوعی ناتوانی فکری و روحی و فقر فرهنگی هم تلقی شود (ادیبی سده، ۱۳۷۵، ۳۷۹ - ۴۰۴). راه‌حل‌های ارائه شده تحت رهیافت مشارکتی باید به نگرانی‌های فقرا حتی اگر ماهیت محلی نیز داشته باشد، پاسخ دهد. از این منظر باید از افراد فقیر هم برای شناخت بهتر مسأله و هم برای اجرای برنامه‌های مختلف در جهت کاهش آن استفاده کرد. افزایش زمینه‌های ابراز عقیده و مشارکت فقرا نه تنها احساس انزوا و محرومیت را در آن‌ها از بین می‌برد، بلکه موجب می‌شود خدمات آموزشی و بهداشتی در جهت تأمین نیازهای آن‌ها هدفمند گردد (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۶، ۱۰-۱۲).

همچون شادی‌طلب و حجتی کرمانی (۱۳۸۷)، و زاهدی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقات خود بر فرصت مشارکت در امور اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی و نقش آن در کاهش فقر روستایی تأکید داشته‌اند. همچنین تحقیقات دیگری هم بر نقش برخی نهادهای گروهی و مشارکتی از جمله انواع تعاونی‌ها (نجفی، ۱۳۸۸، ۱-۲) و میردامادی و همکاران، (۱۳۸۹، ۵۵۷-۵۶۴) بر بهبود برخی شاخص‌های فقر روستایی از جمله اشتغال و امنیت شغلی (بهاء‌الدین، ۱۳۸۸، ۱-۲) و در پیشینه پژوهش میردامادی و همکاران، (۱۳۸۹، ۵۵۷-۵۶۴) در بهره‌گیری از پژوهش اسماعیلی و فرشادفر، پژوهش عابدینی، و پژوهش عفتی، کاهش مهاجرت (میردامادی و همکاران، ۱۳۸۹، ۵۵۷-۵۶۴) به نقل از اسماعیلی و فرشادفر، افزایش تولیدات دامی (همان، به نقل از اسماعیلی و فرشادفر) افزایش درآمد (همان، به نقل از شیرانی) تأکید داشته‌اند.

تعریف، واژه‌ها، مفاهیم و شاخص‌ها

تعریف فقر وابستگی زیادی به شناسایی نیاز انسان دارد. مازلو^۱ معتقد است نیازهای انسان‌ها یک نظام سلسله‌مراتبی^۲ با سطوح متفاوت ارضا دارند: نیاز جسمی، نیاز به ایمنی، نیاز به روابط اجتماعی و محبت دیگران، نیاز به احترام، و نیاز به خویشتن‌یابی. انسان‌ها در داشتن این نیازها با یکدیگر برابر هستند و نابرابری‌های اجتماعی ارضای نیازهای افراد را مانع می‌شود (رضوی، ۱۳۷۷، ۱۰۸-۱۰۹).

نیازها، گرچه در میان انسان‌ها جهان‌شمول هستند؛ ولی هر بخش از اجتماع نیز نیازهای خاص خودش را دارد که باید در سطح جمعیت محلی تعریف شود تا استفاده از منابع تخصیص یافته بهینه شود. نیازهای

1. Abraham Maslow

2. Maslow's Hierarchy of Needs

راهبردهای مهم کاهش فقر بالابردن میزان شنوایی حاکمیت و بلندکردن صدای فقرا است. بنابراین راه اصلی کاهش فقر از مسیر برابری فرصت‌ها می‌گذرد (محمودی، ۱۳۸۶، ۱۷۹).

محرومیت^۲، دسترسی فقرا را به فرصت‌ها و منابع محدود می‌کند، و فقر آن‌ها را محکم می‌کند. فقرا باید نهادهای خودشان را داشته باشند، اما اغلب این‌ها از این نهادها رانده شده‌اند تا غیر فقرا دسترسی داشته باشند. بنابراین این راه حل برای فقرا، به عنوان بر خورداری ظهور می‌یابد (Green and Hulme, 2005, 867-879). به همین ترتیب طرد^۳ (در مقابل بر خورداری) می‌تواند مفهومی اجتماعی و سیاسی از محرومیت باشد که به محرومیت از مشارکت در روابط اجتماعی، بر خورداری از سرمایه اجتماعی^۴ و حضور در شبکه‌های اجتماعی^۵ برمی‌گردد. سرمایه اجتماعی مردم را توانا می‌سازد تا همگی در تصمیم‌گیری‌های مؤثر محلی، پایش بهتر کارگزاران حکومتی، لابی‌کردن برای بهبود خدماتی که ناقص ارائه می‌شوند، یا در بیمه غیررسمی و پشتیبانی از دوستان، همسایگان و اجتماع مشارکت داشته باشند. این سرمایه بر اساس تقویت رابطه اعضای بلافصل خانواده، همسایگان و دوستان نزدیک، افراد را از آسیب‌پذیری در برابر فقر ایمن می‌سازد و به فقرا فرصتی می‌دهد تا از نفوذ در نهادهای حکومتی و بانک‌ها بهره ببرند (Cleaver, 2005, 893-906). پس طرد اجتماعی و حاشیه‌ای شدن^۶ در فضاهای غیرمشارکتی و با محرومیت افراد و گروه‌ها از دسترسی به برخی سرمایه‌ها و دارایی‌ها از جمله سرمایه اجتماعی روی می‌دهد. همچنین انزوا^۷ جنبه مهم دیگری از طرد

هر چند مازلو خطوط کلی نیازها را مشخص کرده است؛ اما به دلیل بحث‌های زیاد آن در توسعه و به ویژه پس از پذیرش نظریه نیازهای اساسی توسعه^۱، کاربرد فراوانی یافت. BDN ابتدا بیشتر به کالاها و خدمات مادی منحصر شد. اما به تدریج صرفاً به حداقل ضروریات زندگی محدود نشد. از آن پس به عنوان مثال آثار فقر در «عدم مشارکت فقرا» و «فقدان قدرت» در تعیین سرنوشت خویش و رسیدن به خواسته‌های خود نیز جست‌وجو می‌شد (رضوی، ۱۳۷۷، ۱۱۰-۱۱۱). BDN از این نگرش گسترش یافت که بسیاری از مشکلات اجتماعی از فقر و محرومیت برمی‌خیزند. این به مفهوم جدیدی از فقر منجر شد که مستلزم تعریف گسترده‌ای از عوامل اجتماعی، مالی، فرهنگی، فناوری و دیگر عوامل مؤثر بر رفاه است. یکی از مهمترین مزایای BDN فرصتی است که برای جمعیت محلی فراهم می‌شود تا آرای خود را درباره این امور بیان نماید (Asadi-Lari et al. 2005, 474-482).

یکی از مفاهیم مرتبط با نابرابری، فرصت‌های زندگی است که به معنای احتمال دسترسی هر شخص با پایگاهی معین به هدف‌های ویژه، مثلاً دسترسی به کالاهای اقتصادی و فرهنگی یک جامعه، یا تحمل ناکامی‌های ویژه است (زاهدی، ۱۳۸۲، ۴۵). تحقیقات نشان می‌دهد چگونه زندگی در حوزه‌های روستایی بر فرصت زندگی تأثیر می‌گذارد. مثلاً در دسترسی به بازار کار، بیشتر روستاییان فقیر با عدم تداوم فرصت‌های کسب درآمد مواجه هستند که این عامل آنها را مجبور می‌کند به مراکز شهری مهاجرت کنند تا خود را در مسیر فرصت‌های شغلی قرار دهند و زندگی بهتری داشته باشند (Epstein & Jezeph, 2001, 1443 - 1454). فقر محصول نابرابری فرصت‌ها (ی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) است که اجازه رشد قابلیت‌های انسانی را نمی‌دهد (فقر قابلیت). یکی از

2. Deprivation or Privation

3. Exclusion vs. Inclusion

4. Social Capital

5. Social Networks

6. Marginalization

7. Isolation

1. Basic Development Needs=BDN

برخوردهای بین ذی‌نفعان^۶ هدف‌گذاری نماید (Elsasser, 2002, 291-300). ذی‌نفعان به کسان، گروه‌ها یا سازمان‌هایی گفته می‌شوند که علاقه یا سهمی در یک مسأله دارند یا تحت تأثیر آن مسأله قرار خواهند گرفت یا تأثیراتی بر برآمدها خواهند داشت. بنابراین ذی‌نفعان می‌توانند از حرفه‌ای‌ها، ادارات (مسئولان، کارشناسان)، مردم منتخب، گروه‌های محلی، غیر حرفه‌ای‌ها، شرکت‌ها، کشاورزان، یا هر یک از شهروندان باشند (Maurel et al. 2007, 630-639). مشارکت یعنی هر گونه عمل فعالانه، گروهی، آگاهانه و ساماندهی شده روستاییان در راستای کاهش فقر. این عمل می‌تواند به صورت تصمیم‌گیری، اجرا یا ارزیابی طرح باشد ولی به هر حال از ثمره آن فقرای روستایی هم منتفع شده‌اند. همچنین مشارکت می‌تواند تنها به صورت اطلاع‌رسانی، مالی، به عهده‌گرفتن مسئولیت یا خودگردانی یک کار یا نهاد برای کاهش فقر روستایی باشد.

■ تشکل‌های مردمی

تشکل‌های مردمی خواهان مشارکت اجتماع به عنوان ابزاری هستند که منابع همگانی را برای بهبود کیفیت زندگی و ارضای نیازهای اساسی ساکنان حوزه‌های محروم نواحی گوناگون جهان آزاد می‌کنند (Asadi- 482-474, Lari et al. 2005). وجود و میزان نقش تشکل‌های مردمی در نواحی روستایی و گرایش روستاییان به ایجاد یا تقویت این تشکل‌های همسو با برنامه‌های کاهش فقر نشان می‌دهد که تا چه میزان روستاییان می‌توانند به صورت ساماندهی شده در امور مربوط به خود دخالت داشته باشند. مصداق‌های عینی تشکل‌های مردمی فعال در توسعه روستایی عبارت‌اند از: تعاونی‌های تولید روستایی و سایر انواع تعاونی‌های خودجوش روستایی، صندوق‌ها و تعاونی‌های اعتبار خرد محلی، انجمن‌های خیریه، هیئت‌ها، شوراهای

اجتماعی است. برخی مردم در درون یک جامعه در پاسخ به دشمنی افراد و گروه‌ها و تلاش برای حذف آن‌ها (همانند تبعیض جنسی و نژادی)، انزوای خود را انتخاب می‌کنند. همچنین مکان و فضا نیز در طرد اجتماعی نقش دارند (Hodgson and Turner, 2003, 265-272) به طوری که دورافتادگی^۱ و انزوا به هم ارتباط می‌یابند و امکان دارد یکی علت دیگری باشد. در یک فرآیند چندبعدی که در آن اشکال گوناگون طرد از جمله مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و فرآیندهای سیاسی، دسترسی به اشتغال و منابع مادی، و یکپارچگی در فرآیندهای معمول و مشترک فرهنگی با هم ترکیب می‌شوند.

استاندارد زندگی^۲ هم از دیگر اصطلاحاتی است که با دید نسبی و با حداقل معیشت تعریف می‌شود و تابع هدف‌هایی است که گروه سعی دارد بدان برسد. این استاندارد بر اساس هنجارهای کیفیت زندگی^۳ تعریف می‌شود که این هنجارها در هر دوره تاریخی و در هر جامعه تفاوت می‌کند (زاهدی، ۱۳۸۲، ۴۵). در واقع این مفاهیم وابستگی زیادی به میزان دسترسی به فرصت‌های زندگی دارند. برای سنجش کاهش یا افزایش فقر در طول زمان/مکان از دیدگاه مادی/معنوی شاخص‌های مختلفی هست که می‌توان از دیدگاه علوم اجتماعی از مؤلفه‌های مرتبط به کیفیت زندگی از جمله شاخص بهزیستی انسانی بهره برد.

با بهره از بحث بالا تعریف برخی مفاهیم، واژه‌ها و شاخص‌ها در پی می‌آید:

■ مشارکت^۴

از دیدگاه هابرماس^۵ مفهوم مشارکت می‌تواند به عنوان عنوان پیش شرطی برای گفتمانی دیده شود که تا اندازه‌ای توافقی اجتماعی را صرفاً برای حل و فصل

1. Remoteness
2. Standard of Living
3. Life Quality
4. Participation
5. Habermas

6. Stakeholder

هسته‌های برنامه‌ریزی و مانند آن.

■ کاهش فقر^۱

ریشه‌کنی فقر^۲ می‌تواند به معنای آرمانی اجرای برنامه مبارزه با فقر باشد به حدی که هیچ نوع فقر نسبی و مطلق در آن جامعه احساس نگردد. در صورتی که با توجه به نسبی بودن فقر در زمان‌ها (تاریخ) و مکان‌ها (جغرافیا)ی مختلف شاید فقر تعریف متفاوتی پیدا کند و در نتیجه همواره فرد فقر را احساس کند. اما کاهش فقر به معنای اجرای برنامه از بین بردن گام به گام فقر مطلق و کاهش اثرهای فقر نسبی در یک جامعه است. بدین ترتیب که دسترسی به حداقل نیازهای اساسی زندگی در دستور کار برنامه‌ریزان باشد (ESCAP, 1996, 3-4).

از آن جا که این تحقیق در صدد نبوده است که فقر را اندازه‌گیری نماید؛ لذا هیچ گونه خط فقری نیز لحاظ نمی‌شود و تنها در تحقیق از روستاییان، تأثیر پروژه‌های مشارکتی بر کاهش فقر روستایی سنجیده می‌شود. از این رو پرسش‌شوندگان (که ممکن است از بین فقرا باشند) به صورت ذهنی، احساس خود را از کاهش فقر بیان می‌نمایند. این که آیا از دید آن‌ها پروژه‌های مشارکتی در طول زمان یا نسبت به مکان‌های دیگری که پروژه‌های مشارکتی انجام پذیرفته یا اگر انجام پذیرفته، موفق نبوده‌اند، فقر کاهش یافته است یا خیر؟

■ شاخص بهزیستی انسان

با توجه به فرضیه، مؤلفه‌های شاخص بهزیستی انسان را می‌توان در راستای سنجش و آزمون در نظر گرفت (زاهدی، ۱۳۸۲، ۲۵۸):

- تغذیه (شامل کمیت و کیفیت غذا، درشت‌مغذی‌ها و ریزمغذی‌ها و نحوه تغذیه)؛
- پوشاک (کمیت و کیفیت)؛

- سرپناه و مسکن (نحوه دسترسی به مسکن و قیمت زمین مسکونی)؛

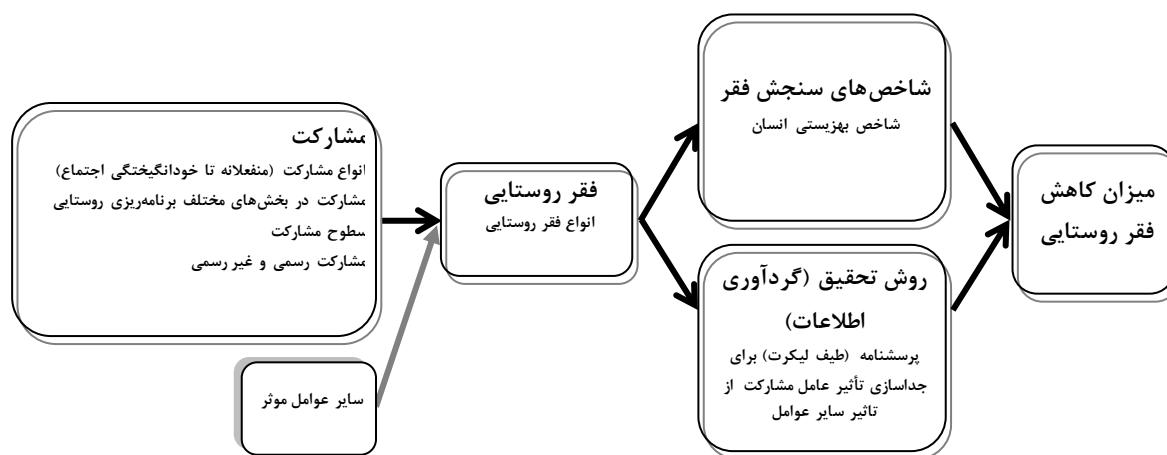
- اشتغال (رسمی و غیر رسمی، دائم و موقت)؛
- بهداشت (جسمی فردی و عمومی)؛
- محیط فیزیکی (زیبایی و ایمنی محیط)؛
- محیط اجتماعی (بهداشت روانی فرد و جامعه)؛
- آموزش و پرورش (ابتدایی تا عالی)؛
- تأمین اجتماعی (انواع بیمه از کار افتادگی، بازنشستگی، درمانی و مانند آن)؛

- آزادی انسانی (فراهم‌بودن زمینه ابراز عقیده و شنیده شدن صداهایی که تا کنون خاموش بوده‌اند از جمله زنان و جوانان روستایی)؛

- فرصت‌های اجتماعی و میزان مشارکت (اعم از مشارکت رسمی و غیررسمی، مشارکت منفعلانه تا خودانگیخته، مشارکت در طراحی تا ارزشیابی برنامه‌ها، از تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا).

شاخص انتخابی از چند جنبه مناسب است: به همه رویکردهای پولی و غیر پولی توجه می‌کند؛ به وضعیت روستاهای ناحیه مورد مطالعه نزدیک است؛ به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر اهداف کلی پروژه‌های مشارکتی است؛ و ذهنیت روستاییان می‌تواند تأثیر پروژه را بر آن‌ها بسنجد.

الگوی مفهومی تحقیق (شکل ۱) ارائه می‌شود تا برای سنجش تأثیر طرح‌های مشارکتی بر کاهش فقر روستایی در ناحیه مورد مطالعه با توجه به مبانی نظریه‌ای از شاخص بهزیستی انسان بهره گرفته شود.



شکل ۱: الگوی مفهومی تحقیق

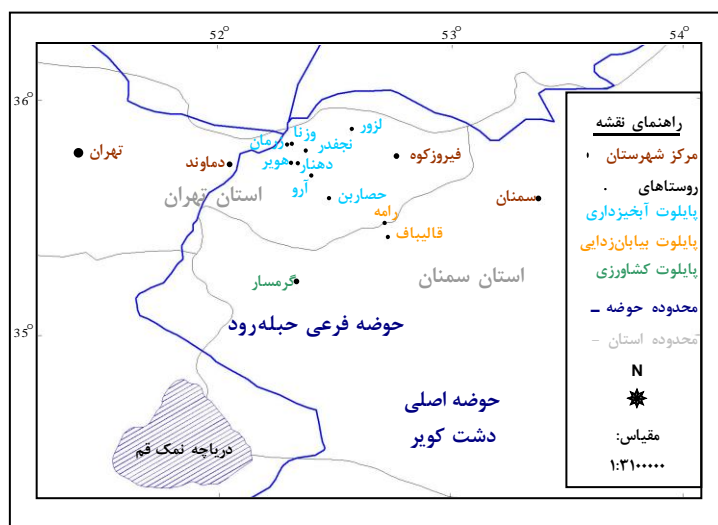
(به عنوان نمونه در زمان این پژوهش از کشور ژاپن و اخیراً از کشور چین) از لزور بازدید کرده‌اند، از این روی حتی «همیاران توسعه» از سایر روستاهای پایلوت هم لزور را به عنوان «روستای سازمان ملل» می‌شناسند.

روش تحقیق و قلمرو جغرافیایی پژوهش

پروژه حبله رود در قالب برنامه اقدام ملی مدیریت پایدار منابع آب و خاک بر اساس برنامه مشترک میان UNDP و جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۶ (فاز اول: ۱۹۹۷ - ۲۰۰۱) آغاز شد. این پروژه در حوضه آبخیز حبله رود واقع در استان‌های تهران و سمنان در حال انجام است. زیرپروژه‌های آبخیزداری (سراب حبله رود)، بیابان‌زدایی، کشاورزی، و حمایتی^۱ از اجزای این برنامه است. با مشاوره با کارشناسان سازمان جنگل‌ها، مرتع‌ها و آبخیزداری کشور، از بخش آبخیزداری پروژه حبله رود، از چهار روستای پایلوت حوزه دلیچائی و چهار روستای حوزه نمرود (شامل لزور) روستای لزور (شکل ۲) به عنوان نمونه موفق و با سطوح متفاوت مشارکت برای انجام روش تحقیق میدانی معرفی و انتخاب شد. این موفقیت، شهرت لزور را در مجامع بین‌المللی و رسانه‌ها (Anderson, 2001) بیش از داخل کشور کرده است به حدی که به جز سازمان‌های بین‌المللی همیار پروژه (FAO)، از بانک جهانی^۲، GEF و هیات‌های مختلف از سفرای کشورها

1. Umbrella

^۲ لزور به عنوان پایلوت بانک جهانی انتخاب شد.



شکل ۲: موقعیت روستاهای پایلوت پروژه ملی حبله‌رود

منبع: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۷۰)

و سازمان نقشه‌برداری کشور (۱۳۸۷)

از روش نمونه‌گیری تصادفی بهره گرفته شد. به دلیل پرسشگری خانه به خانه، پاسخ‌گویان در سطح محلات روستا پراکندگی یکسانی داشتند. همچنین به دلیل قرارگیری در این فصل تقریباً به طور یکسانی از افراد ساکن دایم و غیر دایم پرسش شد.

میانگین میزان موافقت پاسخ‌گویان به گویه‌ها در طیف لیکرت با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS آزمون شده است. روش مذکور با استفاده از جداول تقاطعی و کای دو با قطعیت بیشتری آزمون فرضیه را در سطح خطای نوع اول به میزان 0.05 جهت پی‌بردن به میزان معناداری آزمون‌ها تسهیل می‌کند. در آزمون فرضیه با استفاده از روش آماری جداول تقاطعی و کای دو تأثیر مشارکت بر کاهش فقر روستایی سنجش شد.

از آن جا که پرسشنامه با توجه به پژوهش‌های انجام شده، و بر اساس مبانی نظریه‌ای و مشورت با کارشناسان دانشگاهی طراحی شده است، انتظار می‌رود روایی مناسبی داشته باشد. برای سنجش پایایی، از آزمون آلفای کرونباخ بهره گرفته شد که مقدار آن برابر با 0.9 به دست آمد. این آزمون، پایایی خوبی را برای پرسشنامه نشان می‌دهد.

در آزمون فرضیه‌های این تحقیق تنها بر طرح‌های مشارکتی پروژه حبله‌رود اتکا نمی‌شود و پروژه‌های خودجوش و خودانگیخته روستاییان نیز مد نظر قرار می‌گیرد.

در اجرای روش تحقیق میدانی و گردآوری اطلاعات، از پرسشنامه بهره برده شد. با تنظیم پرسشنامه در جست‌وجوی اثرهای «مشارکت در طرح» بر «کاهش فقر در طول دوره اجرای آن» از روستاییان پرسش شد. همچنین بخشی از اطلاعات توصیفی از طریق مشاهده عینی و مصاحبه با مطلعان محلی به دست آمد.

سؤالات پرسشنامه بسته و از نوع طیف لیکرت است. در سنجش تغییرات فقر، چون فقر به صورت شخصی تجربه می‌شود، پرسش‌گری از افراد بهتر از خانوار است. از آن جا که بیش از ۱۰ سال از اجرای پروژه‌های مشارکتی می‌گذشت از افرادی سؤال شد که از ابتدای پروژه در سنی باشند که توانایی مشارکت را داشته باشند. از این رو در فصل جمعیت و پرکار سال (تابستان) و درست قبل از مهاجرت‌های فصلی از ۹۰ نفر از کل جمعیت افراد ۳۰ ساله و بالاتری که در روستا در دسترس بودند، پرسش شد. در انتخاب افراد

جدول ۳: پروژه‌های مشارکتی روستای لزور

نام پروژه	پروژه مشارکتی
(۱) شبکه آب آشامیدنی؛ (۲) گرمابه همگانی؛ (۳) منبع آب، آبشخور، توالت صحرائی، و لوله‌کشی آب چشمه‌ها در مناطق «خیل و عشایری»؛ (۴) جاده روستایی؛ (۵) شبکه برق روستایی؛ (۶) نصب دکل تلویزیونی	پروژه‌های مشارکتی پیش از پروژه حبله‌رود یا جدای از آن (مشارکت رسمی و غیر رسمی در طراحی تا نگهداری پروژه‌ها و کمک جسمی/مالی/فکری/مدیریتی در بهسازی/نوسازی/بازسازی)
(۱) پروژه آبخیزداری کشکرز و (۲) کاشت ابتکاری نهالستان متمر در آن؛ (۳) پروژه آب‌بند سیاه‌رود؛ (۴) انبار علوفه؛ (۵) ساماندهی جاده و مناطق «خیل و عشایری»؛ (۶) طرح گیاهان دارویی با هدف اشتغال‌زایی زنان (تسهیلات GEF)، ساخت سالن خشک‌کن عمومی، و (۷) تأسیس شرکت تعاونی «ریزبرگ البرز» که ثمرهٔ تداوم این پروژه است (ابتکاری)؛ (۸) قرق داوطلبانه برخی از مراتع	پروژه‌های مشارکتی حبله‌رود

منبع: نگارنده با توجه به اسناد پروژه ملی حبله‌رود و مصاحبه با مطلعان محلی

یافته‌ها

- یافته‌های توصیفی

جنس

به رغم وجود پرسشگر زن، به دلایل مختلفی از جمله سواد و آمادگی کمتر برای رودررویی با مسائل روستایی که خود می‌تواند دلایل مختلف اجتماعی داشته باشد، زنان حدود یک‌سوم پاسخگویان را تشکیل دادند.

سن

با توجه به این که از عمر پروژه حبله‌رود بیش از ۱۰ سال می‌گذشت، سعی شد بیشتر افراد بالای ۳۰ سال برای پاسخ‌گویی انتخاب شوند تا با ضریب اطمینان بیشتری از افرادی سؤال به عمل آید که در پروژه مشارکت داشته‌اند یا حداقل تغییرات و توسعه حاصل از پروژه را به خوبی بتوانند مقایسه نمایند. تقریباً توزیع پرسشنامه‌ها در گروه‌های بالای ۳۰ سال، پراکندگی متوازی داشته است.

پیش و پس از اجرای پروژه حبله‌رود در روستای لزور نمونه‌هایی از اقدامات هست که نشانه‌هایی از مدیریت کار گروهی، تقسیم کار و گردش مالی می‌توان در آن‌ها دید. برخی از این طرح‌ها خودجوش بوده است و بعداً کمک‌های فنی و مالی دولت را توانسته به خود جلب نماید و برخی با همان شیوه‌های بالا به پایین سابق به اجرا درآمده‌اند؛ ولی از مشارکت روستاییان برخوردار شده‌اند (جدول ۳). از این رو در این تحقیق سنجش میزان مشارکت اهمیت نداشته است. مشارکت از هر نوع (از مشارکت در اطلاع‌رسانی طرح‌ها تا مشارکت در طراحی و اجرا) در روستا وجود داشته است به نحوی که مداخله کارشناسان و مدیران خارج از روستا به قدری در طراحی‌ها کم بوده است که در پیشنهاد برخی طرح‌ها و ارائهٔ توجه‌های فنی، امکان داشت یک طرح بارها به روستاییان (نهادهای مشارکتی از جمله کارگروه‌های تخصصی، هستهٔ مرکزی توسعه پایدار، شورای هماهنگی، شورای اسلامی و دهیاری) برگردانده شود تا خود روستاییان اشکالات را برطرف نمایند.

اجرای طرح‌های مشارکتی، کمبود نیروی دلسوز و پیگیر در طول سال بوده است. این مشکل به گفتهٔ مطلعان روستای لزور گریبان‌گیر بسیاری از روستاهای این حوزه است و آن‌ها را در معرض تخلیهٔ جمعیتی قرار داده است.

مدت اقامت در روستا

اکثریت قاطع پاسخگویان بومی هستند یا بومی شده‌اند که این گویه از این جهت در پرسشنامه آورده شد که در مشاهدهٔ تغییرات و توسعه در روستا نقش داشت. جالب این است که برخی از افراد غیر بومی که این روستا را برای اقامت برگزیده‌اند، نام خانوادگی خود را به اسفندیار و شجاع که دو طایفهٔ عمده این روستا است تغییر داده‌اند.

رضایت از تأثیر پروژه‌های مشارکتی بر اوضاع

اجتماعی - اقتصادی

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد بیش از نیمی از پاسخگویان از دیدی کلی با ابراز رضایت از پروژه‌ها، به خلل‌ها و کاستی‌ها اشاره، و نارضایتی‌هایی نیز داشته‌اند.

جدول ۴: رضایت از تأثیر پروژه‌های مشارکتی بر اوضاع

اجتماعی - اقتصادی

میزان رضایت	فراوانی	فراوانی درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۱۲	۱۳/۳	۱۳/۳
کم	۱۱	۱۲/۲	۲۵/۶
متوسط	۲۷	۳۰/۰	۵۵/۶
زیاد	۲۲	۲۴/۴	۸۰/۰
خیلی زیاد	۱۸	۲۰/۰	۱۰۰/۰
کل	۹۰	۱۰۰/۰	

- آزمون فرضیه

از آن جا که پروژه‌های کاهش فقر روستایی ایران، اکثراً رویکرد پولی داشته‌اند و پروژه‌های مشارکتی کاهش فقر روستایی کمتر توانسته است به «سطح اجتماع» نفوذ کند، از این رو برای مطالعهٔ موردی، روستای لزور

میزان تحصیلات

نزدیک دوسوم پاسخگویان تحصیلات زیر دیپلم داشته‌اند که بیشترین درصد متعلق به دانش‌آموختگان دورهٔ ابتدایی و دبیرستانی است. همچنین مشخص شد دختران در گذشته سهم کمتری از تحصیلات داشته‌اند.

وضعیت اشتغال

افراد بیکار ۶ درصد پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند؛ اما با توجه به درآمدناشتن عنوان‌های شغلی مثل خانه‌داری یا بیکاری پنهان در مشاغل مانند کشاورزی و همین‌طور چندشغله‌بودن روستاییان نمی‌توان به سادگی تحلیلی از وضعیت اشتغال روستاییان داشت و نیاز است در این زمینه پژوهش گسترده‌تری انجام گیرد. زنان به جز خانه‌داری، مشاغل دیگری از جمله کارمندی هم اظهار نموده‌اند که تعداد آن‌ها انگشت‌شمار است. "کشاورز" اعم از زارع، باغ‌دار و دامپرور و چوپان و مانند آن است که نزدیک ۳۰ درصد پاسخگویان را به خود اختصاص داده‌اند. بخش خدمات در روستا (کارمندان و مشاغل آزاد) بیش از یک‌سوم پاسخگویان را تشکیل می‌دهند.

اوقات حضور در روستا

اکثر روستاییان و به فراخور آن اکثر پاسخگویان یکجانشین هستند؛ اما یک‌پنجم پاسخگویان همیشه در روستا نیستند؛ این افراد چند دسته هستند: اول، عشایر و چوپان‌ها که با دام خود در یک دامنه (لزور و به عنوان مثال سمنان) یا حتی دو دامنه شمالی و جنوبی البرز جابجا می‌شوند. دوم، افراد دارای خانه دوم که این افراد بومی یا غیر بومی هستند و در "شمال"، فیروزکوه یا سایر شهرها زندگی اصلی خود را دارند. یکی از دلایل مهم موفقیت‌های روستای لزور در طرح‌های مشارکتی به گفتهٔ مطلعان محلی همین تعداد بالای جمعیت یکجانشین در لزور است و مشکل عمدهٔ بیشتر روستاهای حوزهٔ حبله‌رود در طراحی و

از روستاهای پایلوت زیر پروژه مدیریت آبخیزداری حبله‌ورد (برنامه اقدام ملی مدیریت پایدار منابع آب و خاک) انتخاب شد؛ چرا که در این پروژه سعی شده است حتی‌الامکان شیوه‌های مشارکتی برنامه‌ریزی روستایی به اجرا درآید.

فرضیه: مشارکت روستاییان (غیر رسمی) و تشکل‌های مردمی (رسمی) (از مرحله اطلاع‌رسانی تا خودگردانی کامل) در برنامه‌های توسعه روستایی (از مرحله برنامه‌ریزی و اجرا تا ارزشیابی) در کاهش فقر روستایی تأثیرگذار است.

با بهره‌گیری از روش آماری کای دو در آزمون فرضیه

نتایج زیر به دست آمد:

همان‌طور که از جدول (۵) مشهود است در سطح آلفا ۰/۰۵ می‌توان فرض H_0 را به نفع فرضیه H_1 رد نمود و پذیرفت که «مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه روستایی» بر همه شاخص‌های «فقر روستایی» به جز اشتغال تأثیر داشته است:

نتایج آزمون فرضیات نشان می‌دهد که از نگاه روستاییان مشارکت در برنامه‌های توسعه روستایی تأثیر معناداری بر کاهش «فقر حاصل از بیکاری» نداشته است.

جدول ۵: سنجش تأثیر «مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه روستایی» بر «کاهش فقر روستایی» بر اساس شاخص بهزیستی انسان و با بهره‌گیری از روش آماری جداول تقاطعی و کای دو در سطح معناداری آلفا ۰/۰۵

موضوع	کای اسکوتر			همبستگی
	ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری	
تغذیه	۲۶/۷۵	۹	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱
پوشاک	۲۶/۷۴۷	۹	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱
مسکن	۲۶/۷۵	۹	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱
اشتغال	۱۸/۸۹	۹	۰/۰۲۶	۰/۰۸۸
بهداشت	۲۳/۰۳۳	۹	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰
محیط فیزیکی	۱۷/۱۷۲	۹	۰/۰۴۶	۰/۰۱۱
محیط اجتماعی	۴۲/۶۵۳	۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
آموزش	۳۷/۶۵۷	۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تأمین اجتماعی	۲۱/۹۹	۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰
آزادی انسانی	۲۳/۹۹۲	۹	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰
فرصت‌های اجتماعی و میزان مشارکت	۳۰/۷۷۶	۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

نتیجه‌گیری

سه پژوهش از سه گروه پژوهنده و یک گزارش دولتی از دفتر پروژه حبله‌ورد به همراه تحقیق حاضر نشان می‌دهد که مشارکت مردم در طرح‌های پروژه حبله‌ورد می‌تواند به بهبود شاخص‌های بهزیستی انسان و کاهش فقر روستایی یاری رساند:

مجتهد و حسن‌زاده (۱۳۸۰) در پایش و ارزیابی طرح‌های مشارکتی حبله‌ورد به این نتیجه رسیده‌اند که طرح در افزایش آگاهی از محیط زیست، ظرفیت‌های تولید، فرصت‌های شغلی، بهبود وضعیت درآمدی روستاییان، کاهش خسارات و زیان‌های مالی ناشی از ناملايمات طبیعی، و افزایش مشارکت

رفاهی، ایجاد همبستگی اجتماعی، دسترسی به نهاده‌های جدید، افزایش فرصت‌های شغلی (همچون تحقیق حاضر) و افزایش سطح زیر کشت رابطه معنی‌داری مشاهده نشده است.

از دیدگاه کارشناسان پروژه حبله‌رود، افزایش درآمد مستقیم، توجه به سبب معیشتی مردم لزور، پذیرش زنان در نهادهای تصمیم‌گیری لزور، و برقراری ارتباط موقت (که نتوانست پایدار باقی بماند) بین صندوق مالی غیررسمی لزور با بانک کشاورزی؛ و همچنین از دیدگاه لزورنشینان، بهبود شرایط تولید و درآمد گروهی از کشاورزان مالک آب و زمین، کنترل و کاهش خسارات حاصل از سیلاب رودخانه‌ها و حفظ جاده‌ها و منازل مسکونی، ایجاد مزرعه نمونه ترویجی و تولید عرقیات گیاهان دارویی تعاونی مستقل زنان (ریزبرگ البرز)، و برقراری هماهنگی لازم بین تسهیل‌گر و هسته برنامه‌ریزی روستا با روش مشارکتی، افزودن قوانین حفاظتی به مدیریت سنتی مراتع و تلاش برای تغییر نظام کوچ و دامداری توسط کمیته دامداران لزور از برخی دستاوردهای ملی پروژه حبله‌رود در روستای لزور است^۱ (طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک حبله‌رود، ۱۳۸۸).

ارتقای خوراک، پوشاک، بهداشت فردی و همگانی، آموزش ابتدایی بی‌سوادان (کودکان و بزرگسالان)، و بیمه درمان هدف اصلی پروژه‌های مشارکتی لزور نبوده است؛ اما از دیدگاه لزوریان بیشتر به نحو غیر مستقیم توانسته است با افزایش درآمد حاصل از کشاورزی و دامداری بر زندگی آن‌ها تأثیر مثبتی بگذارد. هر چند لازم به یادآوری است که آموزش همگانی به دانش‌آموزان و جوانان تا گیس سفیدان و ریش سفیدان لزور از هدف‌های عمده پروژه بوده است. همان‌طور که

اقتصادی گروه‌های میان درآمدی و انگیزه برای سرمایه‌گذاری پروژه‌های عام‌المنفعه، مؤثر بوده است و به عبارتی دیگر از نتیجه این تحقیق هم همچون تحقیق حاضر (البته به جز معرف اشتغال) مشخص می‌شود که پروژه‌های مشارکتی حبله‌رود معرف‌هایی مانند اشتغال، آموزش، محیط فیزیکی، فرصت‌های اجتماعی و میزان مشارکت را در راستای بهبود شاخص بهزیستی انسان متأثر کرده است.

کندوکاوهای نصیری و همکاران (۱۳۸۶) نیز در بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی در گسترش مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان در فرایند مدیریت آبخیز حبله‌رود (روستاهای نمونه دشت گرمسار) به این نتیجه رسیده است که فرآیندهای مشارکتی می‌تواند به بهبود مدیریت منابع از طریق تلفیق فناوری‌های مدرن و سنتی، افزایش درآمد جوامع محلی با افزایش تولید گیاهان دارویی و طرح نهال‌کاری، تقویت تشکل‌های سنتی از طریق خودباوری و اعتماد به نفس زنان، حفاظت و بهبود بهره‌برداری از منابع آب و خاک کمک نماید، به بیان دیگر معرف‌هایی چون محیط فیزیکی، محیط اجتماعی، و اشتغال از شاخص بهزیستی انسان، بهبود، و فقر روستایی، کاهش یافته است.

پژوهش میردامادی و همکاران (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که میان متغیر میزان مشارکت مردم در مراحل مختلف طرح حبله‌رود با متغیرهای افزایش آگاهی از اهداف طرح، میزان پذیرش طرح، ایجاد گروه‌های اجتماعی، افزایش مسئولیت‌پذیری، افزایش درآمد خانواده، افزایش تولید، دستیابی به اعتبارات جدید، افزایش حجم آب استحصالی، حفاظت از منابع طبیعی و جلوگیری از سیل و فرسایش خاک رابطه مثبت و معنی‌داری هست. ضمن این که بین متغیر میزان مشارکت مردم در مراحل مختلف طرح حبله‌رود با متغیرهای کاهش مهاجرت از روستا، افزایش امکانات

۱ ارائه شده در سومین جلسه کمیته راهبردی طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک (حبله‌رود) در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۱۲ در سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور

منابع

اتحادیه بین‌المللی تعاون، (۱۳۷۷)، تعاونی‌ها و فقرا. مترجم مرجانه سلطانی، انتشارات تعاونی‌های مصرف کارکنان دولت در استان همدان.

ادیبی سده، مهدی، (۱۳۷۵)، برشمردن عوامل ایجاد فقر و تعیین سهم هر کدام. مجموعه مقالات گردهم‌آیی بررسی مسأله فقر و فقرزدایی ۲۹ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۵، ج ۱، سازمان برنامه و بودجه، صص ۳۷۹-۴۰۴.

اسمعیل‌پور، نجما؛ رحیمیان، محمدحسن؛ قربانی، سحر (زمستان ۱۳۹۱)، بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر بسیج اجتماعی؛ مطالعه موردی محله کشتارگاه در شهر یزد. مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای، دوره ۴، شماره ۱۵، ۱۲۳-۱۴۰.

الغنمی، ام. آر. (شهریور ۱۳۷۲)، بحران فقر روستایی: آیا مشارکت می‌تواند آن را از میان بردارد؟. ناصر اوکتایی، روستا و توسعه، ش ۵، ۸۲-۵۷.

اوین، ال. اس؛ میلر، اس. ام؛ و عبدالصمد، سید (۱۳۸۱) چشم‌انداز جهانی فقر، کتاب راهنمای پژوهش‌های بین‌المللی فقر؛ ترجمه ایزدی، پیروز و نوشمند، محمداسماعیل، تهران: ارغنون.

چمبرز، رابرت (۱۳۷۸)، جابجایی الگوها و شیوه کار پژوهش و توسعه مشارکتی. ترجمه عبدالرسول مرتضوی، روستا و توسعه، ش ۳، ۳ و ۴، صص ۱۱۹ - ۱۳۸

دادورخانی، فضیله؛ سلمانی، محمد؛ فرهادی، صامت؛ و زارع، زهره (۱۳۹۰)، حکمروایی خوب راهبردی برای کاهش فقر روستایی، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی) دوره ۳، شماره ۴، ۱۰۳-۱۲۰.

دفتر پروژه ترسیب کربن، <http://www.ircsp.net> (تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۲/۰۴/۲۲).

رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، چ ۱، نشر قومس.

رضوی، سید حسن، (۱۳۷۷)، روستا؛ فقر، توسعه. جلد اول: مفاهیم، رهیافت‌ها و شاخص‌ها. انتشارات روستا و توسعه، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

رضوی، سید حسن؛ موسوی‌نژاد مقدم، سید بابک؛ رحیمی سوره، صمد؛ و شاه‌شجاعی، علی (۱۳۸۲)، روستا، فقر، توسعه، جلد

از نتایج گزارش دفتر پروژه حبله‌رود و نیز پاسخ به پرسشنامه این تحقیق برمی‌آید تخریب مساکن و مزارع به ویژه ناشی از سیلاب کشرز به یک رویه معمولی تبدیل شده بود که با اجرای ابتکاری مردم، مستقیماً معرف مسکن هم بهبود یافته است. همچنین از دیدگاه روستاییان مهار سیلاب به کاهش ریسک سرمایه‌گذاری‌ها در طرح‌های آبی روستاییان از جمله گردشگری روستایی و حتی توسعه آن در مکان‌هایی از جمله آب‌بند سیاه‌رود یاری می‌رساند. از دیدگاه مردم لزور، پروژه حبله‌رود توانسته است با تأثیر بر زیبایی چشم‌اندازهای طبیعی روستا از جمله با وجود نهالستان کشرز و آب‌بند سیاه‌رود، پاکیزگی معابر روستا با تجمیع انبارهای علوفه؛ و مشارکت مالی مردم با دهیاری در دفع زباله، به بهداشت همگانی و بهبود معرف محیط فیزیکی کمک نماید. نتایج حاصل از پرسشنامه نشان داد که توجه به مشارکت زنان و جوانان لزور در ارائه نظر و استقلال رأی در تصمیم‌گیری‌ها و شنیده شدن صدای فقرا به ایجاد اتحاد و همبستگی بین مردم و خروج این روستا از انزوا و محرومیت کمک کرده است.

از این رو پیشنهاد می‌شود پروژه‌های کاهش فقر روستایی در کنار رویکردهای پولی به رویکردهای غیر پولی هم توجه نشان دهند، تمام نواحی کشور را یکسان فرض نگیرند و غیر متمرکز و راهبردی و در تمام سطوح با رویکرد مشارکتی با دخالت مستقیم اجتماع محلی باشند و برای کاهش نگرانی مالی، بر اساس تجربه‌های جهانی و مطالعه موردی، می‌توان با توجه به اولویت‌های محلی، برنامه‌ها را به ابعاد خاص یا نواحی ویژه محدود کرد. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد مشارکت روستایی می‌تواند جنبه‌های مادی و معنوی فقر را هدف قرار دهد و به کاهش آن کمک نماید.

کلیتون، آندرو؛ اوکلی، پیتر؛ پرات، براین (۱۳۸۳)، توانمندسازی مردم: راهنمایی برای مشارکت. مترجم پیروز ایزدی، انتشارات روستا و توسعه، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

گالبرایت، جان کنت، (۱۳۶۶)، ماهیت فقر عمومی. ترجمه محمد حسین عادل، چ ۱، تهران، انتشارات اطلاعات.

مجتهد، احمد و حسن‌زاده، علی (زمستان ۱۳۸۰). پایش و ارزیابی طرح‌های یکپارچه توسعه روستایی: مطالعه موردی حوزه آبریز حبله‌رود، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش ۳، ۴۵-۷۴.

محمودی، وحید، (۱۳۸۶)، اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد در ایران، چ ۱، تهران، انتشارات سمت.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سند کاهش فقر و هدفمندکردن یارانه‌ها، مصوبه ۱۳۸۴/۵/۱۱ هیئت وزیران، www.rc.majlis.ir (تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۲/۰۴/۲۲).

مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، (۱۳۸۶)، استراتژی کاهش فقر، تجربه کشورهای شرق آسیا. چ ۱، تهران.

مؤسسه توسعه روستایی ایران، (۳-۱۳۸۲)، چشم‌انداز و آینده ممکن توسعه روستایی ایران.

مؤسسه همیاران غذا، طرح‌های توانمندسازی جوامع محلی، <http://hamyaran.org> (تاریخ آخرین دسترسی ۱۳۹۲/۰۴/۲۲).

میردامادی، سیدمهدی؛ علی‌زاده فرد، مونا؛ علیمردیان، پرناز (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین مشارکت مردم و پیامدهای اجتماعی اقتصادی در طرح حبله‌رود (مطالعه موردی استان تهران). تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران (علوم کشاورزی ایران) دوره ۲-۴۱، شماره ۴، ۵۵۷-۵۶۴.

نجفی، بهاء‌الدین، (شهریور و مهر ۱۳۸۸) تجربیات جهانی در زمینه نقش تعاونی‌ها در کاهش فقر و اشتغال‌زایی، تعاون، ش ۲۰۶ و ۲۰۷، ۱-۲۰.

نصیری، معصومه؛ پاپلی یزدی، محمدحسین؛ وثوقی، فاطمه (تابستان ۱۳۸۶)، گسترش مشارکت زنان در آبخیزداری، چالش‌ها و رهیافت‌ها، پژوهش موردی: حوزه آبخیز حبله‌رود. مجله علوم انسانی، دوره ۱۴، شماره ۳، ۹۹-۱۱۳.

دوم: روش‌ها و الگوهای مقابله با فقر روستایی (تجارب کشورهای آسیایی)، انتشارات روستا و توسعه، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

زاهدی، محمدجواد، (۱۳۸۲)، توسعه و نابرابری، چ ۱، تهران، انتشارات مازیار.

زاهدی، محمدجواد؛ ملکی، امیر؛ و حیدری، امیرارسلان (۱۳۸۷)، فقر و سرمایه اجتماعی، رفاه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲۸، ۷۹-۱۰۶.

سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۷۵)، گزارش طرح فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران به انضمام لایحه پیشنهادی، معاونت امور اجتماعی، انتشارات مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی.

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، (۱۳۷۰)، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران، ج ۳۸، تهران.

سازمان نقشه‌برداری کشور، (۱۳۸۷)، نقشه‌های پوششی، ۲۵۰۰۰:۱.

شادی‌طلب، ژاله؛ حجتی کرمانی، فرشته (۱۳۸۷)، فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی. رفاه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲۸، ۳۵-۵۶.

شکویی، حسین (۱۳۷۸) جغرافیا و برنامه‌ریزی، مجموعه مقالات همایش پژوهش‌ها و قابلیت‌های علم جغرافیا در عرصه سازندگی ۱۵ - ۱۶ مهرماه ۱۳۷۶، موسسه جغرافیای دانشگاه تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۲۴۵ - ۲۵۷.

شکویی، حسین، (۱۳۸۲)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا. چ ۶، گیتاشناسی.

صابری‌فر، رستم و صدیقه قیصاری، (تابستان ۱۳۸۸)، مدیریت اجتماعی مناطق روستایی و کاهش فقر: مطالعه موردی روستاهای منطقه حسین‌آباد غیناب سربیشه، روستا و توسعه، دوره ۱۲، شماره ۲، ۱۵-۳۶.

طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک حبله‌رود (۱۳۸۸)، <http://www.hablehroud.ir>، (تاریخ آخرین دسترسی شهریور ۱۳۹۳).

عظیمی، حسین، (۱۳۶۹)، ابعاد اقتصادی مؤثر در ایجاد زمینه‌های فقر در جامعه. مجموعه مقالات اولین سمینار فقر و فقرزدایی ۱۵ تا ۱۷ آبان ۱۳۶۸، انتشارات سازمان بهزیستی، ۷۰-۸۹.

- Budget Organization, 379-404.
- Azimi, Hossein (1990) Economic Aspects of Creating Poverty in the Community, Seminar of Proceedings of Poverty and Poverty Alleviation, 6 to 8 November 1989, Publication of Well-Being Organization, 70-89.
- Chambers, Robert (Autumn and Winter, 1999-2000), Shifting Patterns and Action of Participatory Research and Development, Translated by Abdorasul Mortazavi, Rural Development, Vol. 3, No. 3, 119-138.
- Clayton, Andrew; Oakley, Peter and Pratt, Brian (2004) Empowering People: A Guide to Participation, Translated by Piruz Izadi, Rural Development Publication, Research Center of Rural Affairs.
- Dadvarkhani, Fazileh; Salmani, Mohammad; Farhadi, Samet; and Zare, Zohreh (Fall 2011) Good Governance Strategy for Rural Poverty Alleviation, New Approach in Human Geography (Human Geography) Volume 3, Number 4, 103-120.
- Economic Institute of Tadbir e Eghtesad (1386) Poverty Alleviation Strategy, The Experience of East Asia, 1st Edition, Tehran.
- El-Ghonemy, M. R. (August 1993) The Crisis of Rural Poverty: Can Participation Eliminate It? Translated by Naser Oktayi, Rural Development, No. 5, 57-82.
- Esmailpour, Najma; Rahimian, Mohammad Hassan; and Ghorbani, Sahar (Winter 2013), Recreating Urban Context, with an Emphasis on Social Mobilization, Case Study Koshtargah Community in Yazd City, Urban Studies and Regional Research, Volume 4, Issue 15, 123-140.
- Galbraith, John Kenneth (1987), the Nature of Poverty, Translated by Mohammad Hossein Adeli, 1st Edition, Ettela'at Publication, Tehran.
- Geographical Organization of the Armed Forces (1991) Gazetteer of Settlements of Islamic Republic of Iran, vol. 38, Tehran.
- Hamyaran Qada Institute, Community Empowerment Projects, <http://hamyaran.org> (last accessed 13/07/2013).
- International Cooperative Agency (1998) Cooperatives and the Poor, Translated by Marjaneh Soltani, published by Consumers Cooperative of Government Staff in Hamedan Province.
- Mahmoudi, Vahid (2007) Measurement of Poverty Breaking Tradition, Residents Take Charge of Own Destiny; Washington Post Foreign Service, The Washington Post Company.
- Asadi-Lari, M.; Farshad, A.A.; Assaei, S.E.; Vaez Mahdavi, M.R.; Akbari, M.E.; Ameri, A.; Salimi, Z.; and Gray, D. (2005) Applying a basic development needs approach for sustainable and integrated community development in less-developed areas: report of ongoing Iranian experience, Public Health, 119, 474-482.
- Cleaver, Frances (2005) The Inequality of Social Capital and the Reproduction of Chronic Poverty, World Development, Vol. 33, No. 6, pp. 893-906.
- Elsasser, Peter (2002) Rules for participation and negotiation and their possible influence on the content of a National Forest Programme, Forest Policy and Economics 4, 291-300.
- Epstein and Jezeph, Development - There is Another Way: A Rural - Urban Partnership Development Paradigm, World Development Vol. 29, No 8, pp. 1443 - 1454, 2001.
- ESCAP: Economic and Social Commission for Asia and Pacific (1996) Showing the Way, Methodologies for Successful Rural Poverty Alleviation Projects, UNESCAP.
- Green, Maia; and Hulme, David (2005) From Correlates and Characteristics to Causes: Thinking About Poverty from a Chronic Poverty Perspective, *World Development* Vol. 33, No. 6, pp. 867-879.
- Hodgson, F.C. and Turner J. (2003) Participation not consumption: the need for new participatory practices to address transport and social exclusion, *Transport Policy* 10, 265-272.
- IFAD: International Fund for Agricultural Development (2001) Rural Poverty Report 2001: The Challenge of Ending Rural Poverty, New York: Oxford University Press Inc.
- Maurel, Pierre; Craps, Marc; Cernesson, Flavie; Raymond, Richard; Valkering, Pieter; and Ferrand, Nils (2007) Concepts and methods for analysing the role of Information and Communication tools (IC-tools) in Social Learning processes for River Basin Management, Environmental Modelling & Software Vol. 22, Issue 5, pp 630-639.

References (Farsi)

- Adibi Sedeh, Mahdi. (1996) Enumerating the Causes of Poverty and Determining Their Proportion, Seminar of Proceedings of Poverty and Poverty Alleviation, 18 to 20 May 1996, vol. 1, Plan and

- Rural Development Planning in Iran, 1st Edition, Ghomes Publication.
- Rural Development Institute of Iran (2003- 2004) Landscape and Prospect of Future of Rural Development in Iran.
- Saberifar, Rostam; and Gheysari, Seddigheh (Summer 2009), Social Management of Rural Areas and Poverty Alleviation: a Case Study Villages of Qeinab Sarbisheh Hossein-Abad Region, Village and Development, Volume 12, Number 2, 15-36.
- Shaditalab, Zhaleh; and Hojjati Kermani, Fereshteh (Spring 2008) Poverty and Social Capital in Rural Communities, Social Welfare, Volume 7, Number 28, 35-56.
- Shakuyi, Hossein (1999) Geography and Planning, In: Conference for Research and Capabilities of Geography in Construction, 7-8 October 1997, the Institute of Geography of University of Tehran, University of Tehran Press, 245-257.
- Shakuyi, Hossein (2003) New Ideas in Philosophy of Geography, 6th Edition, Gitashenasi.
- Sustainable Management of Land and Water Resources (2009) <http://www.hablehroud.ir>, (last accessed September 2014).
- Zahedi, Mohammad Javad (2003) Development and Inequality, 1st Edition, Mazyiar Publication, Tehran.
- Zahedi, Mohammad Javad; Maleki, Amir; and Heydari, Amir-Arsalan (Spring 2008) Poverty and Social Capital, Social Welfare, Volume 7, Number 28, 79-106.
- and Income Distribution, 1st Edition, Samt Publication, Tehran.
- Majlis Research Center, Poverty Alleviation and Subsidies Document, Adopted by the Council of Ministers in 2/08/2005, www.rc.majlis.ir (last accessed 13/07/2013).
- Management and Planning Organization (1996) Report of Poverty Alleviation Project in I. R. of Iran, Including the Proposed Bill, Social Affairs, Publication Center for Socio-economic Evidence.
- Mirdamadi, Sayyed Mahdi; Alizadeh-Fard, Mona; and Alimoradian, Parnaz (2010) Analysis of Relationship between Participation and Socio-economic Consequences in Hablehroud Project (Case Study Tehran Province), Agricultural Economics and Development Research of Iran (Iranian Agricultural Sciences) Courses 2-41, No. 4, 557-564.
- Najafi, Bahoddin (September and October 2009) International Experiences on the Role of Cooperatives in Poverty Reduction and Job Creation, Cooperation, No. 206, 207, 1-20.
- Nassiri, Maa'sumeh; Papoli Yazdi, Mohammad Hossein; and Vosughi, Fatemeh (Summer 2007) Women's Participation in Watershed Management, Challenges and Approaches, Case Study: Hablehroud Basin, Journal of the Humanities, Volume 14, Number 3, 99-113.
- National Cartographic Center (2008) National Maps, 1:250000.
- Office of Carbon Sequestration Project, <http://www.ircsp.net> (last accessed 13.07.2013).
- Oyen, Else; Miller, S. M.; and Abdus Samad, Syed (2002) Poverty: A Global Review, Handbook on International Poverty Research, Translated by Izadi, Pirouz and Noushmand, Mohammad Esmaeil, Tehran: Arghanoon Publication.
- Razavi, Sayyed Hassan (1998) Village, Poverty, Development, Volume I: Concepts, Approaches and Indicators, Rural Development Publication, Research Center of Rural Affairs.
- Razavi, Sayyed Hassan; Musavyneshad Moghaddam, Sayyed Babak; Rahimi Sureh, Samad; and Shah shojaei, Ali (2003) Village, Poverty, Development, Volume II: Methods and Models of Rural Poverty Eradication (The Experience of Asian Countries), Rural Development Publication, Research Center of Rural Affairs.
- Rezvani, Mohammad Reza (2004) Introduction to

